

دروغ بزرگ پیرامون اسلام و سکولاریسم در سرزمین‌های اسلامی

(ترجمه)

از جمله دروغ‌های بزرگ و رایج در فضای اندیشه سیاسی و رسانه‌ای، آن است که تلاش می‌کند مسئولیت فقر و جهل گسترده در سرزمین‌های اسلامی را بر دوش گروه‌های اسلامی و دینداران بیندازد. این دروغ، که توسط بسیاری از به اصطلاح روشنفکران و اهالی رسانه تبلیغ می‌شود، تلاشی است برای تخریب چهره اسلام و توجیه واقعیت تاریکی که در آن زندگی می‌کنیم؛ چراکه اینان مصرّند که راه حل، در اجرای نظام «سکولار» نهفته است؛ نظامی که دین را از دولت جدا می‌سازد. آنان در این مسیر، به سخنانی‌ها و روایت‌هایی استناد می‌کنند که از سوی نهادها و جریان‌هایی منتشر می‌شود که خود از تثبیت این وضعیت نابسامان سود می‌برند.

اما حقیقتی که سکولارها آن را نادیده می‌گیرند، بلکه آگاهانه در پی پنهان‌ساختن آن هستند، این است که جهان عرب در واقع بیش از صد سال است که تحت سلطه نظام‌های سکولار اداره می‌شود؛ از ترکیه و مصر گرفته تا سوریه، لبنان، تونس، مغرب، سودان، یمن و کشورهای خلیج. تمام این دولت‌های کوچک، در چارچوب سیاست‌های داخلی خود، قانون‌های اساسی سکولار را پذیرفته‌اند، حتی اگر در ظاهر و در برابر مردم به نوعی شعار اسلام را سر دهند. این دوگانگی در گفتمان، همان چیزی است که آن دروغ بزرگ را تقویت می‌کند: نظام‌هایی که خود را در سرزمین‌های عربی اسلامی می‌نامند، در حالی که حقیقت آن است که این نظام‌های عربی کاملاً سکولارند و تا امروز سرنوشت امت را در دست دارند.

در واقع، هیچ کشوری در جهان عرب یا سرزمین‌های اسلامی وجود ندارد که شریعت اسلامی را به صورت کامل در نظام حکومتی خود اجرا کند؛ حتی اگر شعار «اسلام راه حل است» را سر دهد. این کشورها که همواره مدعی داشتن قانون اساسی اسلامی بوده‌اند، در حقیقت، شریعت اسلامی را با نظام‌های سکولار غربی جایگزین کرده‌اند؛ نظام‌هایی که جز در تعمیق فساد، فقر و جهل نقش نداشته‌اند، در حالی که حاکمان این کشورها ثروت‌های امت را به سود خود و به سود غربی که از آنان در حفظ قدرت حمایت کرده، به کار گرفته‌اند.

کسانی که اسلام را متهم به ناتوانی در اداره کشورها می‌کنند و تکرار می‌کنند که راه حل، سکولاریسم است، درک نمی‌کنند که اگر اسلام در سرزمینی به طور کامل اجرا شود، برای آن سرزمین، عدالت و رفاه به ارمغان خواهد آورد. اسلام تنها به عبادات فردی محدود نمی‌شود، بلکه نظامی جامع برای زندگی است که سیاست، اقتصاد و اجتماع را نیز در بر می‌گیرد. اگر حاکمان دولت‌های کوچک در سرزمین‌های اسلامی شکست خورده‌اند، این شکست به خاطر اسلام نیست، بلکه ناشی از فساد شخصی آنان و تسلیم شدن‌شان در برابر نظام استعماری است که ملت‌های‌شان را در بند نگاه داشته و ثروت‌های سرزمین‌های‌شان را می‌مکد. واقعیتی که مسلمانان امروز در آن زندگی می‌کنند، نتیجه مستقیم نظام سکولاری است که امت را در همه عرصه‌ها، از آموزش گرفته تا اقتصاد و سیاست، به سقوط کشانده است.

و گواه روشن آن، این است که هیچ کشوری که شریعت اسلامی را به عنوان یک نظام کامل حکمرانی اجرا کرده باشد، با بحران‌هایی همچون آنچه امروز امت اسلامی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، مواجه نشده است. چراکه اسلام، دین حق است و تنها نظامی است که حقوق انسان را به درستی تضمین می‌کند. خلافت اسلامی، زمانی که اسلام را به طور کامل به اجرا گذاشت، در دوران شکوفایی و پیشرفت حقیقی به سر می‌برد و امنیت و عدالت را در سراسر جامعه برقرار ساخته بود.

این ادعا که «اسلام در حکمرانی شکست خورده است» سخنی باطل و به طور کامل مردود است. اگر بخواهیم واقعیت این شکست را ببینیم، باید به نظام‌های سکولاری نگاه کنیم که امروز کشورهای عربی را اداره می‌کنند؛ نظام‌هایی اند که در بسیاری موارد، ابزاری برای تأمین منافع شخصی و گروهی‌اند، آن هم به بهای رنج ملت‌ها. این نظام‌ها نه به مفهوم عدالت اسلامی باور دارند و نه برای رفاه مردم یا پاسداری از حقوق آنان تلاش می‌کنند؛ بلکه برعکس، استبداد و فساد را به جای ساختن دولتی عادل که بر پایه شریعت اسلامی استوار باشد ترجیح می‌دهند.

و در پایان، خطاب ما به کسانی است که این گونه گفتمان‌ها را تبلیغ می‌کنند: شما به امت دروغ می‌گویید؛ چراکه اسلام از تمام شکست‌هایی که امروز با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، مبرا است. مسلمانان هرگز به سکولاریسم یا سرمایه‌داری نیاز نداشته‌اند، بلکه آنچه نیاز دارند بازگشت

شریعت اسلامی به صورت حقیقی آن است: دور از بازی‌های سیاسی و دور از چشم‌پوشی از ارزش‌هایی که اسلام با خود آورده است. اسلام باید در میان مردم اجرا شود، و هرگاه با صداقت و اراده به آن بازگردیم، امت اسلامی در مسیر صحیح برای برخاستن و شکوفایی قرار خواهد گرفت.

و به همه کسانی که این دروغ‌ها را تبلیغ می‌کنند، می‌گوییم: برای ما نمونه‌ای از یک دولت اسلامی بیاورید که شریعت را اجرا کرده باشد اما در تأمین عدالت و شکوفایی شکست خورده باشد و ثابت کرده باشد که اسلام برای حکمرانی مناسب نیست. ما در انتظار پاسخ خواهیم ماند؛ اما حقیقت آن است که اگر اسلام به درستی اجرا شود، حق را به جایگاه خود باز می‌گرداند و خیر را در جهانی می‌گستراند که از ظلم و ستم لبریز شده است.

دولت اسلامی به مدت سیزده قرن پایدار بود و این واقعیت بر کسی پوشیده نیست. ان شاء الله به زودی خلافتی راشده بر منهج نبوت، باز خواهد گشت؛ آن گونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم ما را به آن بشارت داده است، پس از دوران سلطه جبری‌ای که با آهن و آتش و این افکار سکولار مخالف فطرت انسانی، بر ما حکومت می‌کند.

از الله سبحانه و تعالی مسئلت داریم که ما را بر حق ثابت قدم بدارد و بازگشت خلافت را نزدیک گرداند.

برگرفته از شماره ۴۶۲-۴۶۳-۴۶۴ مجله الوعی

نویسنده: دکتر یحیی حسن - یمن

سال سی و نهم - رجب، شعبان، رمضان ۱۴۴۶ ه.ق.

جنوری، فیروزی و مارچ ۲۰۲۵ م.

مترجم: احمد صادق امین